

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید بهشتی

۲۷ فیبروری ۲۰۱۴

کلید اسرار

چرائی رازداری - کدامین اسرار قابل حفظ بوده و کدامین باید افشاء گردند؟

اسرار، اطلاعات غیر علنی، مخفی و طبقه بندی شده می باشند.

۱ – ادوارد سنودن به خاطر افشای اسرار در امریکا تحت تعقیب قرار گرفت در حالی که بخش بزرگی از مردم درست به خاطر همین افشای اسرار به او همچون قهرمان می نگرند.

۲ – تصاویر کودکان عریان، گونه ای از اطلاعات غیر مجاز هستند که تهیه آن موجب گشت سباستیان اِداتی، یکی از نمایندگان حزب سوسیال دموکراسی در مجلس المان را درست به خاطر همین کار از حزب اخراج نمایند و نیز نزدیک بود دولت المان را در ماه فیبروری به بحران بکشاند.

۳ – پس از پایان جنگ دوم جهانی امریکا سیاست جریان آزاد اطلاعات را که در خلاف جهت مخفی کاری بود مطرح ساخت. اما پس از این که این سیاست موجب شد که جنایات امریکا در جنگ ویتنام افشاء گردد، امریکا از این تجربه نتیجه گیری کرد و در جنگ عراق و افغانستان سیاست بستر سازی برای گزارشگران جنگ را که گونه ای مودیانه از سیاست طبقه بندی اطلاعات می باشد، اعمال نمود.

اگر بخواهیم از سه مورد مذکور در بالا نحوه کار با اطلاعات سری را درک کنیم، ابتداء این سؤال مطرح می گردد که اصلاً چرا با اطلاعات همچون اسرار رفتار می گردد.

از آنجائی که در حال حاضر اطلاعات تبدیل به کلید برای تسلط و در اختیار گرفتن امکانات گشته است (اسم رمز در کامپیوتر و کد بانکی) لذا در عمل حفظ اسرار و جلوگیری از سوء استفاده از اطلاعات ضروری گشته است.

در طول قرون که هنوز تکنولوژی اطلاعات پا بر جهان نهاده بود زمینه اطلاعات به میزان وسیعی محدود به طبیعت و علوم بود و از آنجائی که این دانش متعلق به هیچ کس نبود، به جز خالق هستی و خود طبیعت، لذا پاسخ این پرسش بس بدیهی بود که چرا می باید دانش مربوط به طبیعت و علوم فقط منحصر به گروه اندکی باشد؟ به عبارت دیگر چه دلیلی برای انحصار علم قابل تصور است؟ رویکرد به دانش دین نیز تقریباً به همین گونه بود.

اما از زمانی که خلاقیت را دیگر نمی توان به خالق هستی منحصر نمود و هنر و صنعت توسط بشر به وجود آمده است، مسأله مربوط به در اختیار گرفتن و حق بهره برداری از موضوع این خلاقیت، یعنی مالکیت بر اطلاعات مطرح گشت. اما فرای آنچه به خلاقیت انسان مربوط است، بخش های دیگری نیز هست که در اختیار گرفتن و مالکیت بر اطلاعات مربوطه فقط تا حدی مناسبیت دارد. (اطلاعات شخصی، تصویر عریان کودکان). بنابراین باید پذیرفت که

اطلاعات مربوط به صنعت و هنر و مربوط به زندگی شخصی افراد نباید برای همگان قابل دسترسی باشند و می باید از آنها محافظت گردد. این ها محدوده های اطلاعات غیر عمومی هستند که حفظ آنها بدیهی است.

اما کدها و قرار و مدارهایی هم بین اشخاص و گروه ها وجود دارند که در خدمت همبستگی، همکاری و تفاهم متقابل آنها می باشند. اینگونه اطلاعات هم لزومی ندارد برای همگان قابل دسترسی باشند، مگر آن که خطرناک و یا خسران بار باشند. (گروه های مافیائی و محفل های جنایتکار). اینگونه کدها و قرار و مدارها می باید باری از ساخت های استبدادی باشند وگرنه تا زمانی که نه برای اعضای گروه و نه برای جهان خارج زیانی نداشته و نیز موجب تسلط بر سایرین نگردد، هیچ دلیلی برای محدودیت و مخالفت با سری بودن آنها وجود ندارد.

حال این سؤال مطرح می گردد که تا چه میزان محصولات صنعتی و هنری و نیز اطلاعات شخصی می باید از دسترسی یا دید عرصه عمومی محفوظ بمانند؟

پاسخ: تا جایی که موجب زیانی نگشته و به هیچ وجه نه به عموم و نه به هیچ فرد یا طبیعت خسارتی وارد ن سازند. به همین جهت حفاظت از تولیدات هنری و یا اختراعاتی که به عموم خسارتی وارد ن سازند مطلوب است. اما هر محصول صنعتی که یکی از مشکلات دائم عمومی را حل نماید، نباید برای مدتی طولانی در محدوده حقوق شخصی محصور بماند و پس از آن که کار مزد مناسبی به مخترع آن داده شود، می باید محصول مزبور در خدمت استفاده عموم قرار گیرد.

از سوی دیگر آهنگ ها و ترانه های آزادیبخش یا حاصل کار روزنامه نگاری پژوهشی و افشاءگرانه که علیه استبداد، فساد، به فقر کشاندن مردم، تخریب طبیعت و جنگ افروزی باشند که به لحاظ هویت برای بسیج عموم ایجاد گشته اند، نباید به گونه تحریفی مورد سوء استفاده قرار گرفته یا اصلاً ممنوع گردند. حمایت مالی از آنها توسط حکومت و اجتماع مطلوب است.

اما اگر دولت ها و قدرت ها عملکرد خود را از معرض دید عموم مخفی نگاه داشته و یا اطلاعات شخصی افراد را در اختیار خویش در آورند، اگر شرکت های توانا یا هنرمندانی آنچنان محصولات اطلاعاتی را به وجود آورند که در خدمت تداوم حاکمیت مستبدان بوده یا موجب تخریب صلح در میان مردم گردد، آنگاه تکلیف چیست؟ مقصود اینجا وسایل اطلاعاتی و نرم افزار کنترل و سانسور اطلاعات مربوط به اشخاص یا جریان اطلاعات در اینترنت و وسائل ارتباطی است و محصولات هنری که احساسات انسانها را آنچنان تحریک نمایند که موجب اغتشاش عمومی و ایجاد جو تبعیض نسبت به بخش عظیمی از مردم گردند (تبلیغات نازی ها و کاریکاتورهای حضرت محمد):

الف - بنیادهای عمومی و دولت ها می باید قابل کنترل باشند، به ویژه در زمینه اطلاعاتی. به همین جهت باید از اقدامات و تصمیم گیری هایی که از معرض دید عموم به دور باشند خودداری گردد. از آنجائی که اطلاعات شخصی ما باید محفوظ بمانند، نه سازمان حفاظت ملی امریکا و نه فیس بوک نباید امکان دست اندازی بدان را داشته باشند.

ب - از آنجائی که استبداد که بر بخش عظیمی از مردم کره زمین حاکم است از کنترل خود توسط عرصه عمومی جلوگیری می نماید، نباید دولت ها و شرکت های خارجی با در اختیار نهادن تکنولوژی اطلاعاتی به ادامه حاکمیت خود کامان خدمت نمایند. درک این موضوع برای اهالی کشورهای هائی که دارای نظام دموکراتیک بوده و نظام استبدادی را پشت سر نهاده اند، ساده نیست.

پ - با محصولات هنری که آنها را اطلاعات هنری نیز می توان تلقی نمود، نباید تحت عنوان آزادی هنر چنان رفتار نمود که در بخش هائی از جهان موجب از بین رفتن صلح و آرامش عمومی گردند یا این که بخش عظیمی از اهالی کره عرض را تحقیر نمایند. آنها همچنین نباید در خدمت تبلیغات «انسان برتر» یا «ملت برگزیده» در آیند یا انسانها را آنچنان در احساس هویتشان تحقیر نمایند که دیگر نتوانند با سربلندی زندگی کنند. (کاریکاتور حضرت محمد)